

مسئولیت عینی ورزشکاران در قبال دوپینگ؛ با تأکید بر رویه دیوان داورى ورزش (پژوهشی)

مهریار داشاب *

سپهر صارمی **

(DOI) : 10.22066/cilamag.2024.2027267.2558

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

دوپینگ در ورزش، موضوعی مناقشه‌برانگیز است و بر روح ورزش و اصل بازی جوانمردانه تأثیر بسزایی می‌گذارد. پس از تأسیس آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ و تصویب آیین‌نامه آن، نظام مقابله با دوپینگ به انسجامی بی‌سابقه رسید و شاید بتوان ادعا نمود که مهم‌ترین تأسیس حقوقی نظام مقابله با دوپینگ، اصل مسئولیت عینی است. در دنیای ورزش و دوپینگ، ورزشکارانی که در نمونه آن‌ها مواد ممنوعه یافت می‌شود دو دسته‌اند؛ آن‌هایی که به منظور افزایش کارایی خود و کسب نتایج بهتر در مسابقات حرفه‌ای، عامدانه از مواد ممنوعه استفاده کرده‌اند و آن‌ها که بدون قصد و به دلیل بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی، ماده ممنوعه وارد بدنشان شده است. در اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ، به دلیل وجود اصل مسئولیت عینی ورزشکار، تفاوتی میان این دو دسته ورزشکار در احراز نقض وجود ندارد. این موضوع، طرفداران و مخالفان بسیاری دارد. موافقان بر آن‌اند که به منظور حفظ نظم و کارایی نظام مبارزه با دوپینگ، وجود چنین اصلی اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی مخالفان عقیده دارند که ورزشکارانی که تقصیری ندارند نباید مجازات شوند و معتقدند اصل مسئولیت عینی ورزشکار با سرشت عدالت طبیعی در تضاد آشکار است. البته اگر ورزشکاری بتواند ثابت کند که تقصیر و بی‌مبالاتی در ارتکاب نقض دوپینگ نداشته است یا اگر هم وجود داشته، غیرقابل توجه بوده، می‌تواند در صورت اثبات آن، دوران محرومیت خود را کاهش دهد. علی‌رغم این موضوع

* نویسنده مسئول، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

mehryardashab@atu.ac.ir

s.saremi1995@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران



که اثبات این امر بسیار دشوار می‌نماید، حداقل به لحاظ نظری می‌تواند پاسخگوی انتقادات بسیار وارد شده بر مسئولیت عینی ورزشکار باشد، چرا که با وجود اینکه صرف وجود ماده ممنوعه، نقض مقررات ضد دوپینگ تلقی شده و مسئولیت ورزشکار را در پی خواهد داشت، در صورت اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) ورزشکار می‌تواند دوران محرومیت خود را کاهش دهد. امروزه با توجه به رویه دیوان داوری ورزش، می‌توان نتیجه گرفت که اصل مسئولیت عینی ورزشکار به‌طور مداوم و جدی توسط هیئت‌های رسیدگی‌کننده اعمال می‌شود.

واژگان کلیدی

مسئولیت عینی، دوپینگ، ورزشکاران، رویه دیوان داوری ورزش، آیین‌نامه جهانی ضد دوپینگ

مقدمه

بدون تردید، اولین و آخرین هدف هر ورزشکار حرفه‌ای پیروزی است و به همین دلیل، بسیاری از ورزشکاران برای نیل به این هدف، مقررات ضد دوپینگ را نقض می‌کنند. استفاده از مواد و روش‌های افزایش‌دهنده عملکرد ورزشکاران از بدو شروع انسان به ورزش، موضوع بحث‌برانگیزی بوده است و قدمت آن همچون خود ورزش به دوران باستان بازمی‌گردد. در عصر جدید، مقوله دوپینگ بسیار پیچیده شده است به نحوی که از روش‌های علمی نوین مانند دوپینگ خون و ژن استفاده می‌شود.^۱ از طرفی اقدامات مختلف برای مقابله با دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزش در صحنه بین‌المللی به خلق نظام جهانی در این زمینه انجامیده است.^۲ ورزشکارانی که از این مواد و روش‌ها بهره می‌جویند، نه تنها به سلامت جسمی و روانی خود صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کنند، بلکه برتری ناعادلانه‌ای نسبت به سایرین به دست می‌آورند که یکپارچگی ورزش و ارزش‌های بنیادین آن را تضعیف می‌کند. روح ورزش، رعایت اخلاق، بازی منصفانه، صداقت، سلامت، عملکرد عالی، آموزش، تفریح و سرگرمی، تعامل گروهی، همکاری و اتحاد را در بر دارد.^۳ به همین دلیل، مقتضی است سازمان‌های ضد دوپینگ، سازمان‌های ورزشی و فدراسیون‌های ملی و جهانی، مقررات سختگیرانه‌ای را برای جلوگیری از استفاده از این مواد و روش‌ها توسط ورزشکاران پیش‌بینی و اعمال کنند. به منظور دستیابی به این مهم، توسل به مسئولیت عینی^۴ در پرونده‌های

۱. یان بلک شاو، حقوق بین‌الملل ورزش، راهنمای مقدماتی، ترجمه: مهرداد محمدی (تهران: انتشارات خرسندی ۱۳۹۷)، ۱۴۷.

۲. آرامش شهبازی و پوریا برلیان، «دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی و جایگاه دیوان داوری ورزش در تسبیح رویه بین‌المللی در این زمینه»، مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ۱۷، ۳۹ (۱۳۹۷): ۳.

۳. مهدی زاهدی، علی دادگر، سیدقاسم زمانی و آرامش شهبازی. «دوپینگ و واکاوی رویه دیوان داوری ورزش در مقابله با آن»، حقوق پزشکی ۱۲، ۴۵ (۱۳۹۷): ۱۸۰.

دوپینگ برای سازمان‌های ضد دوپینگ و همچنین نهادهای قضایی و انضباطی به منظور حفظ نظم و عدالت در مسابقات، حیاتی است.

بدیهی است که اصل مسؤلیت عینی در اختلافات ورزشی، جایگاهی بسیار پررنگ در اختلافات ناشی از دوپینگ دارد و در پرونده‌های انضباطی و همچنین در رویه دیوان دآوری ورزش^۵ (از این پس دیوان) نیز مورد استناد طرفین و هیئت‌های رسیدگی‌کننده قرار می‌گیرد. این مقاله ضمن بررسی اجمالی ساختار دیوان، به مفهوم و رویکرد دیوان به اصل مسؤلیت عینی در قضایای مطروحه در این محکمه می‌پردازد. البته پرواضح است که واکاوی اصل مسؤلیت عینی، مستلزم شناخت و مطالعه مفهوم دوپینگ است زیرا معنی دوپینگ در آیین‌نامه جهانی ضد دوپینگ^۶ (از این پس آیین‌نامه) پیچیده‌تر از تعریف کلی آن بوده و موارد متعددی را شامل می‌شود. به همین منظور در این مقاله، معنا و دامنه دوپینگ متضمن مسؤلیت عینی نیز مطالعه شده است.

در اصل، نگارندگان در جستجوی پاسخ به این پرسش‌اند که در رویه دیوان، اصل مسؤلیت عینی از چه جایگاهی برخوردار است؟ با مذاقه رویه دیوان و پرونده‌های مطروح می‌توان ادعا کرد که امروزه اصل مسؤلیت عینی در پرونده‌های انضباطی به‌ویژه در قضایای مربوط به نقض مقررات ضد دوپینگ، اصلی مسلم، محرز و معتبر شده است. بر همین اساس، نوشتار حاضر شامل دو بخش است. در بخش نخست، تحت عنوان مباحث تمهیدی به بررسی اجمالی مفهوم دوپینگ، مفهوم کلی مسؤلیت عینی و دیوان دآوری ورزش پرداخته شده است. بخش دوم تحت عنوان رویه دیوان ناظر بر مسؤلیت عینی ورزشکار، به‌ترتیب به موضوعات اثبات تخلف ورزشکار، حاشیه انعطاف مسؤلیت عینی و در نهایت به شرایط استثنائی برای کاهش دوره محرومیت ورزشکار اختصاص دارد. در خصوص پیشینه این تحقیق باید اشاره شود که تا کنون هیچ منبعی در زبان فارسی به‌طور مشخص به مسؤلیت عینی ورزشکار در قبال دوپینگ نپرداخته است.

۱. ملاحظات کلی

بدیهی است که بدون بررسی و شناخت اجمالی مفاهیم ابتدایی دوپینگ، مسؤلیت عینی در معنای عام آن و ساختار کلی دیوان دآوری ورزش نمی‌توان به موضوع پیچیده مسؤلیت عینی ورزشکار پرداخت. از همین رو توضیحاتی در رابطه با این مفاهیم ارائه می‌شود.

۱-۱. مفهوم دوپینگ

تعریف دوپینگ و مفاهیم مربوط به آن که در اسناد تخصصی آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ و در

5. Court of Arbitration for Sport

6. World Anti-Doping Code

آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ^۷ ارائه شده است با تعریف لغوی آن بسیار متفاوت است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه دوپینگ را به معنای *زورافزایی* تصویب کرده است.^۸ دوپینگ به‌طور کلی بر امری اطلاق می‌شود که ورزشکار برای بالابردن کارایی خود انجام می‌دهد. این تعریف بسیار ساده و ابتدایی است و نمی‌توان تعریف مندرج در آیین‌نامه را صرفاً دوپینگ نامید زیرا بسیار موسع است و در ادامه بررسی خواهد شد. مسلم است که نمی‌توان تعریف حقوقی جامع و مانع از دوپینگ ارائه داد؛ لذا تعریف به مصداق از مواد و روش‌هایی که متخصصان فهرست کرده‌اند، راهکار قابل قبول موجود است.^۹

پیشرفت‌ها در صنعت داروسازی و نتیجتاً در علمی که در دوپینگ استفاده می‌شود، و به بیان بهتر، از آن سوءاستفاده می‌شود، اثبات کرده است که تعریفی کلی و صرفاً نظری از دوپینگ، مکفی نیست. بنابراین دوپینگ نیازمند تعریفی دقیق است که برای دسترسی به آن باید به آیین‌نامه استناد جست. آیین‌نامه در فصل اول مقرر کرده است: «دوپینگ عبارت است از وقوع یک یا چند مورد از موارد تخلف از قوانین و مقررات ضد دوپینگ».^{۱۰}

ذیل ماده ۲ آیین‌نامه که به موارد نقض مقررات مربوط به دوپینگ اختصاص دارد، یازده^{۱۱} مورد

7. World Anti-Doping Code (WADC), 2021;

- آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ، سند پایه‌ای است که کارکردش یکدست‌نمودن سیاست‌ها و مقررات مبارزه با دوپینگ سازمان‌ها و مراجع صالح مبارزه با دوپینگ در سراسر جهان است. هدف آیین‌نامه همان‌طور که در مقدمه آن نیز تصریح شده است بر دو محور اصلی استوار است: ۱. صیانت از حقوق ورزشکاران به منظور شرکت در مسابقات ورزشی عاری از دوپینگ؛ ۲. یکدست‌نمودن مقررات مبارزه با دوپینگ و اطمینان حاصل کردن از برنامه‌های یکدست و مؤثر مقابله با دوپینگ در سطوح ملی و بین‌المللی. آیین‌نامه سندی پایه است که برنامه‌های ملی و بین‌المللی بر پایه آن قرار گرفته است. آیین‌نامه سعی داشته است که علی‌رغم نیاز به یکپارچگی در مقررات مقابله با دوپینگ، در اعمال مقررات خود، انعطاف لازم را به منظور همکاری حداکثری نیز داشته باشد. در نگارش آیین‌نامه توجه ویژه‌ای به اصل تناسب و حقوق بشر شده است. آیین‌نامه در ۲۰۰۳ تصویب و در ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. پس از آن چهار مرتبه در آن بازنگری شد که مبنای کار این نوشتار، نسخه ۲۰۲۱ است.

۸. سیدپوریا باقری جعفری، *سیاست جنایی ایران در مقابله با دوپینگ با توجه به کنوانسیون بین‌المللی دوپینگ*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.

۹. امیرسعد وکیل، *حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال* (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴)، ۷۹.

10. Anti-Doping Rule Violation

۱۱. سپهر صرامی، *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال زورافزایی (دوپینگ) سازمان‌یافته: مطالعه موردی روسیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

۱۲. نقض‌های یازده‌گانه عبارت‌اند از: ۱. وجود یک نوع ماده ممنوعه، یا مواد حاصل از سوخت و ساز آن، در نمونه ورزشکار. ۲. مصرف یا تلاش برای مصرف ماده ممنوعه یا روش ممنوعه توسط ورزشکار. ۳. طفره‌رفتن، امتناع یا قصور در نمونه‌گیری. ۴. قصور از الزامات مربوط به در دسترس بودن ورزشکار. ۵. دستکاری یا تلاش جهت دستکاری در هر بخش از کنترل دوپینگ. ۶. مالکیت ماده ممنوعه یا روش ممنوعه. ۷. قاچاق یا تلاش برای قاچاق هرگونه ماده یا روش ممنوعه. ۸. تجویز یا تلاش برای تجویز هر گونه ماده ممنوعه یا روش ممنوعه در حین مسابقات به ورزشکاران، تجویز، قصد تجویز ماده ممنوعه یا روش ممنوعه

فهرست شده است. هدف این ماده، مشخص کردن شرایط و رفتاری است که به نقض مقررات ضد دوپینگ منجر می‌شود. به عبارت دیگر، به موجب آیین‌نامه، چنانچه رفتار و شرایطی که در یازده بند ماده ۲ ذکر شده‌اند صورت گیرد، نقض مقررات ضد دوپینگ رخ داده است. پرواضح است که در مقررات فعلی، دوپینگ محدود به مصرف مواد ممنوعه^{۱۳} نمی‌شود^{۱۴} و هرکدام از بندهای یازده‌گانه ماده ۲ آیین‌نامه، به معنای عام کلمه، دوپینگ محسوب می‌شوند. اما آنچه در این نوشتار مورد توجه است، بندهای ۱ و ۲ موارد یازده‌گانه است که در آن مسئولیت عینی ورزشکار مطرح و مورد بررسی است.

در بند ۱ از بند ۲،۱. که در مورد وجود ماده ممنوعه یا متابولیت^{۱۵} یا نشانگر^{۱۶} در نمونه ورزشکار است، تصریح شده است:

«ورزشکار موظف است اطمینان حاصل نماید که هیچ‌گونه مواد ممنوعه وارد بدنش نمی‌شود. ورزشکاران در قبال هرگونه ماده ممنوعه یا متابولیت یا نشانگر در نمونه‌هایشان مسئول هستند. بنابراین اثبات تخلف از مقررۀ ۲،۱ آیین‌نامه نیازی به اثبات قصد، تقصیر، بی‌مبالاتی یا استفاده عمدی ورزشکار از ماده ممنوعه ندارد.^{۱۷}

اگرچه در متن این مقررۀ، اشاره مستقیم به واژه مسئولیت عینی نشده است، در شرح این گونه مقرر شده است که:

در رابطه با اثبات نقض این بند از ماده ۲ نیازی به اثبات تقصیر ورزشکار نیست. این قاعده^{۱۸} در رأی‌های متعدد دیوان به‌عنوان مسئولیت عینی شناسایی شده است. تقصیر ورزشکار در رابطه با

به ورزشکاران خارج از مسابقه که در خارج از مسابقات ممنوعه است ۹. تیان و همدستی ۱۰. همکاری ممنوعه ۱۱. اعمال ورزشکار یا شخص دیگری برای دلسردکردن یا انتقام از گزارش‌دادن به مقامات. WADC2021.

13. Prohibited List;

فهرست ممنوعه شامل مواد ممنوعه و روش‌های ممنوعه است که هر سال توسط آژانس به دو زبان انگلیسی و فرانسه منتشر می‌شود. فهرست مذکور اولین بار در ۱۹۶۳ توسط کمیته بین‌المللی المپیک تهیه شد. از ۲۰۰۴ آژانس مسئولیت آماده‌سازی و تهیه فهرست مواد ممنوعه را بر عهده دارد. می‌توان مواد ممنوعه را به چهار دسته زیر تقسیم کرد: ۱. داروهای تقویت‌کننده عملکرد ورزشی مانند هورمون‌های رشد. ۲. عوامل پوشاننده‌ای که خودشان عملکرد را تقویت نمی‌کنند اما می‌توان از آنها استفاده کرد. ۳. داروهایی که ممکن است باعث خطر مستقیم شوند، مانند الکل در اتومبیل و ورزش‌های هوایی. ۴. مواد مخدر تفریحی، مانند ماری‌جوانا.

14. van der Sloot, Bart, Mara Paun, and Ronald Leenes, *Athletes' Human Rights and the Fight Against Doping: A Study of the European Legal Framework*. (The Hague: TMC Asser Press, 2020) 7.

15. Metabolite

16. Marker

17. WADC, Article 2(1).

۱۸. لازم به توضیح است که اگرچه در علم حقوق میان اصل و قاعده تفاوت‌ها است، در موضوعات مربوط به دوپینگ و در رابطه با مسئولیت عینی از هر دو واژه/صل و قاعده به‌طور یکسان استفاده شده است. ن.ک:

WADC, Comment to Art. 2(1)(1) WADC

تعیین عواقب مجازات} ذیل ماده ۱۰ در نظر گرفته خواهد شد. دیوان داوری ورزش، بارها به این اصل استناد کرده است.^{۱۹}

بند ۲ ماده ۲ مربوط به استفاده یا تلاش برای استفاده ورزشکار^{۲۰} از یک ماده یا روش ممنوعه است. بند مزبور، دو قسم دارد و تفکیک میان آن دو حیاتی است. بند ۲ دو حالت را متصور شده است: الف) استفاده از ماده یا روش ممنوعه؛ ب) تلاش برای استفاده از ماده یا روش ممنوعه. در مورد تلاش برای استفاده از ماده یا روش ممنوعه برخلاف قسم اول همین بند و بند ۱ ماده ۲، باید قصد ورزشکار اثبات شود.^{۲۱} بنابراین واضح است که مسئولیت عینی ورزشکار در این نوع از تخلف، محلی از اعراب نخواهد داشت. در نتیجه، نگارندگان در این نوشتار، مسئولیت عینی ورزشکاران را در قبال نقض مقررات دوپینگ مربوط به بندهای ۱ و ۲ و به‌ویژه بند ۱ ماده ۲ بررسی می‌کنند. در ادامه در رابطه با مفهوم مسئولیت عینی توضیحاتی ارائه شده است.

۲-۱. اصل مسئولیت عینی

اصل مسئولیت عینی^{۲۲} به معنای اصل مسئولیت بدون تقصیر^{۲۳} است. با اینکه این اصل در پرونده‌های مربوط به دوپینگ از سالیان دور مورد استناد بوده است، ریشه در حقوق شبه‌جرم دارد. در پرونده *رایلندز علیه فلچر* که مربوط به دعوی بین *توماس فلچر* و *جان رایلندز* بود، به این موضوع پرداخته شد. *فلچر* معدن‌دار بود که در نتیجه ذخیره بیش از حد آب در مخزن آب آسیابی که متعلق به *رایلندز* بود دچار خسارت شد. در نتیجه *رایلندز* علیه *فلچر* طرح دعوا کرد. نکته قابل توجه در این رأی آن بود که علی‌رغم مقصر نبودن *رایلندز*، وی مسئول شناخته شد.^{۲۴} در این

19. Ibid.

20. Attempted use

21. WADC, Comment to Art. 2(2).

22. شایان ذکر است که اصل مسئولیت عینی (strict liability) با اصل مسئولیت مطلق (absolute liability) متفاوت است؛ اما در منابع فارسی (ن.ک: حقوق بین‌الملل ورزش، ترجمه: امیر ساعد وکیل) واژه Strict liability تحت عنوان اصل مسئولیت مطلق ترجمه شده است. مسئولیت مطلق به آن معناست که در تمامی شرایط، خواننده در قبال رفتار نسبت به خواهان دارای مسئولیت است، بدون هیچ دفاع، استثناء یا توجیحی. در مقابل، اصل مسئولیت عینی به معنای مسئولیت در غیاب تقصیر است، اما در این نوع مسئولیت ممکن است دفاع از سوی خواننده از برخی جهات (کاهش مجازات) قابل پذیرش باشد، مانند مواقعی که رخدادی صورت می‌گیرد که ضرورتی غیر قابل اجتناب تلقی می‌شود. ن.ک:

Anthony Gray, "The Evolution from Strict Liability to Fault in the Law of Torts." (2021) 7.

شاهد مثال دیگری که در اثبات ادعای فوق نیز می‌توان ذکر نمود، متن فرانسوی آیین‌نامه است که در آن از واژه responsabilité objective استفاده شده است. ن.ک: نسخه فرانسوی آیین‌نامه.

23. No-fault liability

24. Law Teacher. "Rylands v Fletcher - Case Summary." Last modified November 2013. Accessed August 31, 2024. <https://www.lawteacher.net/cases/rylands-v-fletcher.php?vref=1>.

رأی تصریح شد که به منظور اثبات مسئولیت، نیازی به اثبات عنصر معنوی^{۲۵} نیست.^{۲۶} در این رأی، اصل مسئولیت عینی و بدون تقصیر یافت می‌شود و جایگزین رویکرد نظریه خطا یا تقصیر در حقوق انگلستان شده است.^{۲۷}

در رابطه با اصل مسئولیت عینی، طرفداران و منتقدان آن به‌ویژه در کامن‌لا به تفصیل بحث کرده‌اند^{۲۸} که البته خارج از موضوع این نوشتار است. آنچه نگارندگان بدان پرداخته‌اند، جایگاه اصل مسئولیت عینی در موضوعات مربوط به دوپینگ است. در پرونده‌های مربوط به دوپینگ، اصل مسئولیت عینی در موارد متعددی از دهه‌ها پیش اعمال شده است.^{۲۹}

اصل مسئولیت عینی بدان معنی است که ورزشکار در قبال هر آنچه در نمونه وی یافت می‌شود، اعم از اینکه عمدی بوده یا خیر یا در نتیجه بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی باشد، مسئول است. اصل مسئولیت عینی ورزشکار، سنگ بنای مقررات مقابله با دوپینگ است. اعمال این نوع از مسئولیت در دعوی ناشی از دوپینگ با انتقادات بسیاری مواجه است که در مقابل، موافقان در دفاع از آن برآمده‌اند.

شایسته یادآوری است که اصل مذکور حتی پیش از تأسیس آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ و متعاقب آن آیین‌نامه ضد دوپینگ در رویه دیوان داوری مورد استناد قرار گرفته است اما آیین‌نامه در بندهای ۱ و ۲ بر اصل مسئولیت عینی ورزشکار صحنه گذاشت و اذعان کرد که در رویه دیوان به اصل مذکور استناد خواهد شد. پیش از بررسی رویه دیوان، ناظر بر اصل مسئولیت عینی، شناخت اجمالی از ساختار و صلاحیت دیوان ضروری می‌نماید. در ادامه توضیحاتی در این راستا ارائه شده است.

۱-۳. دیوان داوری ورزش

ناگفته پیداست که دیوان مهم‌ترین رکن در زمینه حل و فصل اختلافات ورزشی است. دیوان در طول حیات خود توانسته است زمینه‌ساز توسعه و ژرفایش حقوق بین‌الملل ورزش و متعاقباً حل و فصل اختلافات ناشی از دوپینگ شود. دیوان در رسیدگی‌های مربوط به این نوع اختلافات، ضمن

25. Mens rea

26. *Ryland's v. Fletcher*, 1868, LR 3 HL 330.

27. Anthony Gray, *The Evolution from...*, 72.

28. See: Richard A. Posner "Strict liability: A comment." *The Journal of Legal Studies* 2, 1 (1973) 205-221.

Richard Epstein, "A Theory of Strict Tort Liability," *Cambridge Law Journal* 2, 1 (1992).

Richard, Wasserstorm, "Strict Liability in The Criminal Law," *Stanford Law Review* 12, 4 (1960).

Richard Wasserstrom, *Strict Liability in the Criminal Law: The Structure and Limits of Criminal Law*. (Routledge, 2014) 395-410.

29. Annelize Du Pisani, "A contractual perspective on the strict liability principle in the World Anti-Doping Code". *De Jure Law Journal* 46, 4 (2013) 917.

بهره‌گیری از اصول و مقررات مختص حوزه ورزشی، از اصول کلی حقوقی نیز استفاده می‌نماید.^{۳۰} بنابراین پیش از ورود به بحث رویه و اصول مورد استفاده در دیوان، درآمدی بر صلاحیت دیوان داوری ورزش و سازوکار عملکرد آن ضروری به نظر می‌رسد.

همانند بسیاری دیگر از دادگاه‌های داوری و قضایی، رجوع به دیوان داوری نیازمند موافقت‌نامه یا بندی در موافقت‌نامه‌ای است. این توافق می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ مثلاً در اساسنامه‌ها، منشورها و آیین‌نامه‌های فدراسیون‌ها. یکی از مهم‌ترین بنیان‌های صلاحیتی دیوان، منشور المپیک است. در ماده ۶۱ منشور که به حل و فصل اختلافات اختصاص دارد، تصریح شده است:

«۱. تصمیمات کمیته بین‌المللی المپیک نهایی است. هر اختلافی مربوط به اجرا یا تفسیر آن فقط توسط هیئت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک و در موارد معین از طریق داوری در دیوان داوری ورزش حل و فصل خواهد شد.

۲. هر اختلافی ناشی از یا مربوط به بازی‌های المپیک به‌طور انحصاری در دیوان داوری ورزش طبق آیین‌نامه دیوان داوری ورزش مطرح خواهد شد».^{۳۱}

همچنین طبق ماده ۵۶ اساسنامه فیفا، دیوان به منظور حل و فصل اختلافات بین این سازمان، اتحادیه‌های عضو، کنفدراسیون‌ها، لیگ‌ها، باشگاه‌ها، بازیکنان، مقامات و واسطه‌ها صالح شناخته شده است.^{۳۲} صلاحیت دیوان در ماده ۵۷ اساسنامه فیفا تعریف شده است که به موجب آن، تجدیدنظرخواهی علیه تصمیمات نهایی نهادهای قضایی فیفا و تصمیمات کنفدراسیون‌ها، اتحادیه‌های عضو یا لیگ‌ها باید ظرف مدت ۲۱ روز پس از اعلام تصمیم مورد نظر در دیوان مطرح شود.^{۳۳} به زعم نگارندگان، ماده R۲۷ آیین دادرسی دیوان، تفسیری بسیار موسع از اختلاف داشته است. این ماده تصریح می‌دارد:

«اختلافات مربوط به موضوعاتی که به ورزش یا موضوعات مالی یا دیگر منافع مربوط به ورزش یا توسعه آن و به‌طور عام‌تر، هر فعالیت یا موضوعی که مرتبط با ورزش باشد».^{۳۴} از این ماده به دلیل جمله‌بندی و استفاده از واژگانی که به‌طور کلی در نظر گرفته شده‌اند، می‌توان تفاسیر بسیار گسترده‌ای ارائه داد. این امکان وجود دارد که دیوان تقریباً به تمامی پرونده‌هایی که بدان ارجاع می‌شود، رسیدگی کند. به همین دلیل، پرونده‌های بسیار متنوعی با توجه به موضوع و اشخاص و سازمان‌ها در دیوان مطرح می‌شوند. حدوداً تا به امروز اختلافات ناشی از ۷۳ رشته ورزشی متفاوت در دیوان داوری طرح شده است.

30. See for instance *OG AD 16/02 IOC v. T. Zielinski*, award of August 12, 2016, paras. 30 f.

31. IOC Charter, Art. 61.

32. FIFA Statutes, Art. 56.

33. *Ibid.*, 56.

34. CAS Code, Art. 27.

جالب توجه است که از بین این رشته‌ها، تنها چند ورزش فوتبال، دوچرخه‌سواری، دو و میدانی، شنا و سوارکاری حجم بالای کار دیوان را به خود اختصاص می‌دهند و دو پرونده از هر سه پرونده‌ای که در دیوان طرح می‌شوند، مربوط به ورزش‌های مذکور هستند و شایان ذکر است که ۳۸ درصد از کلیه احکام دیوان، فقط مربوط به رشته ورزشی فوتبال است.^{۳۵} از لحاظ موضوعی نیز ۴۵ درصد از قضایای مطروحه در دیوان، مربوط به دوپینگ است. به دیگر سخن می‌توان گفت که فوتبال و دوپینگ در صدر موضوعاتی هستند که در دیوان مورد داوری قرار می‌گیرند.^{۳۶}

در دیوان، دو نوع رسیدگی اصلی وجود دارد که شامل رسیدگی بدوی و رسیدگی تجدیدنظر است. بسیاری از اسناد نهادهای ورزشی نیز به همین ترتیب، صلاحیت دیوان را تأیید کرده‌اند. لازم به ذکر است که تا ۲۰۱۱، علاوه بر صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات، برای دیوان صلاحیت مشورتی نیز در نظر گرفته شده بود که از آن طریق، امکان درخواست رأی مشورتی از دیوان وجود داشت. در ادامه درباره صلاحیت دیوان در ارتباط با هر دو نوع رسیدگی مزبور توضیحاتی ارائه شده است.

شعبه بدوی دیوان، مسؤ‌ل‌ت رسیدگی به اختلافاتی را دارد که برای نخستین بار در یک محکمه حل و فصل اختلافات طرح می‌شوند. اختلافاتی که در شعبه بدوی قابلیت طرح دارند، عموماً از جنس تجاری و مالی هستند و کمتر مسائل انضباطی در این شعبه مطرح و رسیدگی می‌شود. هیئت‌های رسیدگی‌کننده در این شعبه از یک یا سه داور تشکیل می‌شوند.^{۳۷} شایان ذکر است که حجم کاری این شعبه نسبت به شعبه تجدیدنظر بسیار اندک و محدود است؛ تا جایی که در سال‌های اخیر فقط ۱۰ الی ۱۵ درصد از دعاوی در شعبه بدوی طرح شده‌اند.^{۳۸} از آنجا که تقریباً تمامی قضایای مربوط به دوپینگ در شعبه تجدیدنظر بررسی شده است، در این تحقیق، عملکرد این شعبه نیز بررسی شده است.

شایان ذکر است که شعبه مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش^{۳۹} برای اولین بار به صورت موقت در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۶ ریودوژانیرو تأسیس شد. پس از آن در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۸ کره جنوبی نیز مورد استفاده قرار گرفت و در نهایت در ۲۰۱۹ به عنوان یکی از شعبات اصلی دیوان داوری ورزش، کار خود را رسماً آغاز کرد. البته چه از لحاظ ساختار و چه

35. John Lindholm, *the Court of Arbitration for Sport and Its Jurisprudence, an Empirical Inquiry into Lex Sportive*, (Germany: Asser press, 2019) 40.

36. Ibid.

37. CAS Code, Art. 40(1).

38. Retrieved from https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/CAS_statistics_2016_pdf, last accessed January 01, 2023.

39. Anti-Doping Division (ADD)

ماهوی، نوآوری جدیدی نداشته است.^{۴۰}

لازم به ذکر است که شعبه تجدیدنظر دیوان به‌عنوان دادگاه تجدیدنظر نهایی برای نهادهای ملی و بین‌المللی ورزشی عمل کرده و بیشتر پرونده‌های دیوان در این شعبه طرح می‌شوند. از آنجا که این شعبه به‌عنوان دادگاه تجدیدنظر نهایی عمل می‌کند، بیش از آن باید تمامی سازوکارهای داخلی حل و فصل اختلافات^{۴۱} طی شوند.

کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون جهانی فوتبال از مهم‌ترین نهادهایی هستند که امکان تجدیدنظر در تصمیمات خود را در دیوان فراهم کرده‌اند. دیوان نقشی حیاتی در ارزیابی تصمیمات بین‌المللی مرتبط با ورزش و تجدیدنظر در آن‌ها ایفا می‌کند و می‌تواند تأثیر شگرف و بسزایی بر مقررات ورزشی جهانی داشته باشد. ممکن است این تأثیر به جهت بهبود فرآیند تجدیدنظر داور و تضمین عدالت در رفع اختلافات ورزشی، بهبود حقوق ورزشکاران و آرامش و اعتماد به نظام جهانی ورزش باشد.

۲. رویه دیوان داور ورزش، ناظر بر مسئولیت عینی ورزشکار

علی‌رغم آنکه اصل مسئولیت عینی، در آیین‌نامه و بیشتر آیین‌نامه‌های فدراسیون‌های جهانی و سازمان‌های مبارزه با دوپینگ صراحتاً ذکر شده است، تا قبل از تشکیل آژانس نیز در رویه دیوان به‌عنوان اصل مورد استناد قرار گرفته است و نمی‌توان آن را نوآوری آژانس یا آیین‌نامه دانست.^{۴۲} پرواضح است که نظام مقابله با دوپینگ به دنبال جرمه ورزشکاران نیست، بلکه بیشتر بر آن است که با اعمال مجازات‌های انضباطی، از تکرار آن جلوگیری و همچنین از حقوق دیگر ورزشکاران صیانت نماید. می‌توان ادعا کرد که از مهم‌ترین اصولی که در دعاوی مربوط به دوپینگ مطرح شده است، اصل مسئولیت عینی است.

اصولاً ماهیت دوپینگ، امری است که رفتار مخفی عامدانه تلقی می‌شود و قصد، یکی از ادله قاطع است که تحصیل آن غیرممکن است؛ بنابراین با گذشت زمان، اصل مسئولیت عینی در قضایای مربوط به دوپینگ پذیرفته شده است.^{۴۳} اصل مسئولیت عینی در رسیدگی‌های مربوط به پرونده‌های دوپینگ بدین معناست که در تحقق نقض مقررات ضد دوپینگ، اهمیتی ندارد که ورزشکار مرتکب خطا یا سهل‌انگاری شده است یا خیر یا حتی تخلف از مقررات ضد دوپینگ

40. Mathieu Maisonneuve, "La chambre antidopage du Tribunal arbitral du sport." Cécile Chaussard; Thierry Chiron. *Le dispositif de lutte contre le dopage* 52, 119 (2019).

41. برای مثال در فدراسیون جهانی فوتبال در صورت احراز دوپینگ ورزشکاران، طبق ماده ۶۱ مقررات ضد دوپینگ فیفا، پرونده به کمیته انضباطی ارجاع خواهد شد.

42. Richard H. McLaren, "CAS Doping Jurisprudence: What Can We Learn?", *ISLR* 1 (2006) 10-18.

43. وکیل، حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال، ۸۱

عامدانه بوده است یا نه. یکی دیگر از دلایل بهره‌بردن از مسئولیت عینی، جلوگیری از سوءاستفادهٔ همراهان^{٤٤} و ورزشکار برای تزریق یا خوردن مواد نیروزا بدون اطلاع وی به اوست. پس این به عهدهٔ ورزشکار است که از هر ماده‌ای که وارد بدن او می‌شود، اطلاع داشته باشد.^{٤٥}

دیوان در یکی از اولین پرونده‌های مرتبط با دوپینگ، هنگام مواجهه با مفاد مقررات ضد دوپینگ فدراسیون بین‌المللی اسب‌سواری که محرومیت خودکار ورزشکار^{٤٦} را در صورت مثبت شدن آزمایش دوپینگ تعیین کرده بود، به اصل مسئولیت عینی محض^{٤٧} اشاره کرد.^{٤٨} البته شایان ذکر است که در آن زمان مقررات ضد دوپینگ کمیتهٔ بین‌المللی المپیک نیز حاوی اصل مسئولیت عینی بود.^{٤٩}

اصل مسئولیت عینی در رأی دیگری نیز که دیوان مقررات ضد دوپینگ فدراسیون جهانی شنا^{٥٠} را اعمال می‌نمود، تأیید و شناسایی شد و دیوان تصریح کرد که هیچ رابطه‌ای میان محرومیت ورزشکار و قصد وی وجود ندارد.^{٥١} بنابراین دیوان مقررات مقابله با دوپینگ فدراسیون جهانی شنا را همان گونه که بود اجرا کرد و اعتبار آن‌ها را زیر سؤال نبرد. به دیگر سخن، دیوان اصل مسئولیت عینی را همان طور که در مقررات وجود داشت اعمال کرد. با این حال، دیوان قائل به این موضوع نیز بود که ممکن است اعمال اصل مسئولیت عینی دشوار و ناعادلانه تلقی شود، اما دیوان منافع جمعی را بر منافع فردی مرجح دانست. این بدان مفهوم است که ولو اینکه ورزشکاری کاملاً بی‌گناه از مدالی محروم شود، بهتر و عادلانه‌تر از آن است که در مسابقه‌ای ورزشکاری با استفادهٔ مواد ممنوعه نسبت به دیگر ورزشکاران پاک، برتری داشته باشد. در قضیهٔ کویگلی علیه اتحادیهٔ بین‌المللی تیراندازی، دیوان ضرورت اعمال اصل مسئولیت عینی را بیان کرد. این قضیه در رابطه با ورزشکاری به نام جورج کویگلی، تیرانداز آمریکایی است که در ۱۹۹۴ در مسابقات بین‌المللی تیراندازی عضو تیم ایالات متحده بود. این ورزشکار در شب مسابقه دچار برونشیت و متعاقب آن تب و حالت تهوع شد. به دنبال این اتفاق، پزشک هتل محل اقامت این ورزشکار پس از معاینهٔ او، داروهایی را برایش تجویز کرد.^{٥٢} لازم به ذکر است که پزشک این ورزشکار پس از اینکه فهرستی از مواد ممنوعه به او داده شد، اظهار داشت که هیچ یک از داروهای تجویز شده حاوی مادهٔ ممنوعه

٤٤. «همراهان متشکل از همهٔ افراد مرتبط با ورزشکاران، از جمله مدیران، عوامل، مربیان، مربیان بدنی، کادر پزشکی، دانشمندان، سازمان‌های ورزشی، حامیان مالی، وکلا و هر شخصی که حرفهٔ ورزشی ورزشکار را ارتقا می‌دهد، از جمله اعضای خانواده است.

٤٥. صارمی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال زورافزایی (دوپینگ) سازمان‌یافته؛ مطالعهٔ موردی روسیه، ٢١.

46. Automatic Disqualification

47. Pure Strict Liability

48. Court of Arbitration for Sport, CAS 92/63, *G v. Fédération Equestre Internationale (FEI)*, Award, 10 September 1992.

49. Arbitration CAS ad hoc Division (O.G. Nagano) 98/002 R. / International Olympic Committee (IOC), award of 12 February 1998.

50. Federation Internationale de Natation Amateur

51. There is no tie between sanction and intent.

52. CAS 94/129, 23-5-1995, *USA Shooting & Quigley v. UIT*.

نیستند.^{۵۳}

پس از پیروزی در مسابقه، آزمایش کویگی برای ماده ممنوعه /فدرین^{۵۴} که ماده فعال در شربت سرفه بود، مثبت شد. فدراسیون جهانی تیراندازی و دیوان، توضیح کویگی در مورد چگونگی ورود این ماده ممنوعه به بدن او را زیر سؤال نبردند. در نتیجه فدراسیون جهانی تیراندازی، او را به مدت ۳ ماه محروم کرد و مدال طلا را نیز از وی بازپس گرفت. از آنجا که این مسابقات، فرصتی برای کسب سهمیه المپیک نیز بود، تیم ایالات متحده، سهمیه المپیک را نیز از دست داد. دیوان در این رأی اذعان داشت که مقابله با دوپینگ، امری طاقت‌فرسا است و به همین دلیل، سیاست‌های بعضاً سختگیرانه‌ای را اقتضا می‌نماید. اعضای هیئت رسیدگی‌کننده به این قضیه متذکر شدند که اگرچه محرومیت ورزشکاری که در ورود ماده ممنوعه به بدن خویش تقصیری نداشته ناعادلانه است، برتری این ورزشکار از رقیبان خود، ناعادلانه‌تر خواهد بود.^{۵۵} دیوان تصریح نمود:

«دیوان اصولاً آمادگی دارد که اصل مسئولیت عینی را اعمال کند؛ با این حال از استدلال‌هایی که در مخالفت با این اصل مبنی بر آنکه غیرمنطقی و مغایر با عدالت طبیعی^{۵۶} است، آگاه است؛ اما نظر دیوان با چنین استدلال‌هایی همسو نیست و عقیده دارد که اهداف والای مقابله با دوپینگ، به اندازه کافی توجیه‌کننده اعمال این اصل است.»^{۵۷}

بنابراین می‌توان این رأی را نقطه عطفی در حوزه مبارزه با دوپینگ دانست زیرا در رأی مذکور، دیوان به نوعی وجود و ضرورت اصل مسئولیت عینی را توجیه کرد. همان‌طور که دیوان بیان کرده است، اگرچه در نگاه اول، اصل مسئولیت عینی در تضاد با اصل برائت و بی‌گناهی افراد است، شرایط خاص و دنیای ورزش، اعمال این اصل را توجیه می‌نماید.

در نگاه اول، مسئولیت عینی ورزشکاران در تخلفات مربوط به دوپینگ، ناعادلانه به نظر می‌رسد اما واقعیت این است که به نظر نگارندگان اگرچه ممکن است در برخی مواقع، ورزشکاری که هیچ تقصیری در تخلف نداشته محروم شود، در نهایت این اصل به یکپارچگی نظام مقابله با دوپینگ کمک می‌کند. دیوان در حمایت از این اصل اشعار داشته است:

«مسلم است که اصل مسئولیت عینی می‌تواند در مورد ورزشکاری که به دلیل برچسب‌زنی^{۵۸} نادرست یا مشاوره نامناسب (که تقصیر وی نبوده است) دارویی را مصرف کرده باشد، از نظر فردی ناعادلانه به نظر برسد اما همین مورد برای ورزشکاری که در شب قبل از مسابقه به علت مسمومیت

53. Ibid.

54. Ephedrine

55. *Supra note 52*, 193.

56. Natural justice

57. Ibid.

58. Labeling

غذایی بیمار شده است نیز صدق می‌کند. با این حال در هر دو مورد، قوانین رقابت به دلیل عدم انصاف تغییر نخواهند کرد. همان‌طور که به منظور انتظار برای بهبود ورزشکار، مسابقه به تعویق نمی‌افتد، ممنوعیت استفاده از مواد ممنوعه همچنان به دلیل مصرف ناخواسته و تصادفی آن کماکان اجرا می‌شود».^{۵۹}

در نگاه اول، رویکرد دیوان بسیار سختگیرانه به نظر می‌رسد، اما به‌راستی آیا امکان اثبات عمدی بودن مصرف مواد ممنوعه توسط هر ورزشکاری ممکن است؟ به زعم نگارندگان، در زمینه مقابله با دوپینگ، اثبات عمدی بودن یا غیرعمدی بودن مصرف مواد ممنوعه در عمل غیرممکن یا حداقل بسیار سخت است. اگر قرار باشد هر سازمان ضد دوپینگ یا دیوان، عمدی بودن نقض تخلفات ضد دوپینگ را اثبات کند، آسیبی جدی متوجه نظام مبارزه با دوپینگ خواهد بود. در ادامه به موضوع بار اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ و استانداردهای حاکم بر آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. اثبات تخلف ورزشکار

بر اساس اصلی بنیادین که در بسیاری از نظام‌های حقوقی و قوانین و مقررات داخلی کشورها پذیرفته شده است، بار اصلی اثبات ادعا بر عهده مدعی است (*Actori Incumbit Probatio*). اما بنا به دلایل مختلف، تبعیت کامل از قواعد و مقررات نظام‌های داخلی در ارتباط با بار اثبات دعوا در دادرسی‌های بین‌المللی ممکن نبوده است.^{۶۰}

ماده ۳ آیین‌نامه به موضوع بار اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ اختصاص یافته است. طبق بند ۱ ماده ۳ این سند، بار اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ بر عهده سازمان‌های ضد دوپینگ است. بنابراین این سازمان‌های ضد دوپینگ و فدراسیون‌ها^{۶۱} هستند که باید نقض مقررات ضد دوپینگ توسط ورزشکار را اثبات کنند. این موضوع به نظر کاملاً منطقی و منصفانه است، چرا که معقول نیست ورزشکاران بدون اینکه یک نهاد مبارزه با دوپینگ، با ارائه ادله واقعی، نقض مقررات دوپینگ توسط آن‌ها را اثبات کنند، مجبور به پاسخگویی و دفاع از خود باشند.

بنابراین، سازمان ضد دوپینگ مکلف است وجود نقض مقررات ضد دوپینگ را ثابت کند. مناط و معیار اثبات، «اقناع اجمالی»^{۶۲} هیئت رسیدگی‌کننده است. به دیگر سخن، هیئت رسیدگی‌کننده

59. *Supra note 52, 129.*

۶۰ سیدحسین سادات‌میدانی، «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوا در رویه قضایی بین‌المللی دادگستری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۴۲، (۱۳۹۱): ۱۶۳.

۶۱ بیشتر پرونده‌های مربوط به دوپینگ توسط فدراسیون‌های بین‌المللی یا توسط سازمان‌های مقابله با دوپینگ مطرح می‌شوند.

62. Comfortable Satisfaction:

در متن انگلیسی از واژه مزبور استفاده شده است در صورتی که در متن فرانسوی صفتی وجود ندارد و صرفاً از *la satisfaction* استفاده شده است. نگارندگان ترجمه *اقناع اجمالی* را انتخاب نموده‌اند.

باید به‌طور اجمالی از نقض مقررات ضد دوپینگ قانع شوند. اقلان اجمالی، استاندارد بالتر از معیار توازن/احتمالات^{۶۳} و پایین‌تر از معیار فراتر از شک معقول^{۶۴} است. در اعمال اصل مسئولیت عینی و به منظور احراز صلاحیت، علی‌الظاهر^{۶۵} وفق بند ۱ ماده ۲، سازمان ضد دوپینگ صالح باید هیئت‌رسیدگی‌کننده را به‌طور اجمالی در رابطه با موارد زیر قانع نماید:

(۱) نمونه سالم است و طبق مقررات حاکم جمع‌آوری شده است؛

(۲) نتیجه مثبت آزمایش دوپینگ قابل اعتماد است؛

(۳) ماده ممنوعه یافت‌شده در نمونه ورزشکار، در فهرست مواد ممنوعه است.^{۶۷} بنابراین صرف مثبت‌شدن نمونه ورزشکار، محرومیت وی را به موجب اصل مسئولیت عینی به دنبال خواهد داشت. برای همین، دیوان در رأی الکساندر زوبکف علیه کمیته بین‌المللی المپیک مورخ ۲۰۱۸ تصریح نمود:

هیئت «رسیدگی‌کننده، ارکان مسئولیت ورزشکار در قبال نقض مقررات دوپینگ مربوطه را به‌طور دقیق بررسی خواهد کرد. بعد از این مرحله، هیئت، مجموع ادله‌ای را که در اختیار دارد با در نظر داشتن معیار اقلان اجمالی بررسی خواهد کرد و نتیجتاً می‌تواند تعیین کند که ورزشکار، فعل و ترک فعل‌های لازم برای تحقق نقض مقررات ضد دوپینگ را مرتکب شده است یا خیر»^{۶۸}.
بنابراین در دیوان، اولین قدم هیئت‌های رسیدگی‌کننده، بررسی این مهم است که به‌صورت علی‌الظاهر، نقض مقررات ضد دوپینگ صورت گرفته است یا خیر. معیار مورد استفاده در اثبات این موضوع، معیار اقلان اجمالی است. موضع دیوان در این زمینه نیز روشن است. برای دیوان، معیار اقلان اجمالی، معیار متغیر نیست؛ به دیگر سخن تفاوت ندارد که کدام بند از ماده ۲ نقض شده است.^{۶۹} بنابراین در اثبات نقض بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه، صرف وجود ماده ممنوعه در نمونه ورزشکار، برای اثبات مسئولیت وی کافی است. البته ورزشکار پس از آن می‌تواند از طرق مختلف که مهم‌ترین آن در ادامه توضیح داده شده است، به محرومیت اعمال‌شده ناشی از احراز نقض بند مذکور اعتراض کند.

۲-۲. مسئولیت عینی؛ مطلق یا قابل تعدیل؟

بزرگ‌ترین مزیت اصل مسئولیت عینی این است که شرایطی را ایجاد می‌کند که ورزشکاران مجبور شوند تمام تلاش خود را به کار گیرند تا از مقررات آیین‌نامه‌های ضد دوپینگ پیروی کنند. بنابراین

63. Balance of probabilities - prépondérance des probabilités

64. Beyond a reasonable doubt - au-delà du doute raisonnable

65. WADC, Art. 3(1).

66. Prima facie

67. Adam Lewis Qc and Jonathan Taylor Qc, Sport: Law and Practice (UK: Bloomsbury, 2021) 24-28.

68. Arbitration CAS 2017/A/5422, Aleksandr Zubkov v. IOC, award of 23 April 2018, p. 695.

69. Legkov v. IOC, CAS 2017/ a/ 5379, para. 706.

هر ورزشکار مسئولیت دارد که مقررات آیین‌نامه‌ها را بشناسد و اطمینان حاصل کند که مواد ممنوعه به بدن وی وارد نمی‌شوند. وجود اصل مسئولیت عینی می‌تواند برای سنجش جدیت و حمایت از سازوکارهای ضد دوپینگ تأثیرگذار باشد زیرا ورزشکاران می‌دانند که حتی اگر ادعای عدم قصد یا تقصیر خود را ثابت کنند، محروم خواهند شد. به همین دلیل همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ورزشکاران، مسئول ورود هرگونه ماده‌ای به بدن خود هستند.

از سوی دیگر، این رویکرد می‌تواند باعث بروز ناعدالتی نیز بشود، چرا که میان ورزشکاری که عمداً از ماده یا روش ممنوعه‌ای استفاده کرده است و ورزشکاری که بدون عمد و آگاهی، ماده‌ای ممنوعه وارد بدن وی شده است، تفاوت و تمایزی نخواهد بود. فارغ از این موضوع، ورزشکارانی هستند که داروهایی را با مجوز معافیت استفاده دارویی^{۷۰} مصرف می‌کنند که اگر این افراد نیز با محرومیت مواجه شوند، عملاً مجوز معافیت استفاده دارویی، کاربردی در نظام مقابله با دوپینگ نخواهد داشت. بنابراین اگرچه ورزشکار در قبال وجود ماده ممنوعه در نمونه خود در هر صورت مسئول است، در برخی شرایط استثنائی می‌تواند از خود دفاع کند. ماده ۹ و ۱۰ آیین‌نامه نیز شرایط استثنائی را پیش‌بینی کرده است.

۲-۳. شرایط استثنائی

مواد ۹ و ۱۰ آیین‌نامه به محرومیت‌های فردی ورزشکاران اختصاص دارد. تبلور مستقیم اصل مسئولیت عینی، ماده ۹ است که عنوان آن، محرومیت خودکار نتایج فردی^{۷۱} است. این ماده اشعار می‌دارد:

نقض مقررۀ ضد دوپینگ در ورزش‌های فردی که در نمونه‌گیری حین مسابقات احراز شده است، به‌طور خودکار منجر به محرومیت ورزشکار از نتایج به‌دست‌آمده در آن مسابقات خواهد شد. این محرومیت‌ها شامل بازپس‌گیری هرگونه مدال، امتیاز و جایزه است.^{۷۲}

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، صرف مثبت‌شدن نتیجه نمونه‌گیری ورزشکار برای احراز بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه کافی است. به دیگر سخن، قصد و نیت ورزشکار در این محرومیت هیچ تأثیری نخواهد داشت و در هر صورت محرومیت در انتظار ورزشکار خواهد بود. این رویکرد در نظام مقابله با دوپینگ، کاملاً منطقی جلوه می‌نماید زیرا فارغ از قصد و نیت ورزشکار، وی برتری ناعادلانه‌ای نسبت به دیگر شرکت‌کنندگان در آن مسابقه داشته است. در همین رابطه دیوان در قضیه فدراسیون جهانی دو و میدانی علیه فدراسیون دو و میدانی روسیه و پیاتخ مورخ ۲۰۱۷ تصریح کرد:

70. Therapeutic Use Exemption (TUE)

71. Automatic Disqualification of Individual Results

72. WADC, Art. 9.

«هدف اصلی محرومیت ورزشکاران، مجازات آن‌ها نیست، بلکه اصلاح هرگونه مزیت ناعادلانه و از بین بردن هرگونه سوءعملکرد است».^{۷۳}

شایان ذکر است که این رویکرد قبل از اجرایی شدن آیین‌نامه نیز وجود داشت. در قضیه باکستر علیه کمیته بین‌المللی المپیک در ۲۰۰۲ دیوان تصریح کرد که در محرومیت خودکار ورزشکار از مسابقات، قصد ورزشکار و این موضوع که ماده ممنوعه بر عملکرد وی تأثیر داشته است یا خیر، تأثیری ندارد.^{۷۴} بنابراین هیئت رسیدگی‌کننده دیوان در اعمال ماده ۹ آیین‌نامه از اختیار صلاح‌دیدی^{۷۵} برخوردار نیست و در هر شرایطی، ورزشکاری که در نمونه وی ماده ممنوعه یافت شده، باید از مسابقه‌ای که در آن نمونه‌گیری انجام شده است، محروم شود.^{۷۶}

بر اساس بند ۲ ماده ۱۰، چنانچه بند ۱ ماده ۲ توسط ورزشکار به دلیل مصرف ماده مشخص نشده‌ای^{۷۷} نقض شود، فرض بر عمدی بودن آن است، چرا که این مواد با توجه به ماهیت و اثربخشی که دارند، اصولاً به منظور افزایش کارایی ورزشکاران حرفه‌ای استفاده می‌شوند. در صورتی که ماده یا روش ممنوعه، مشخص شده نباشد، حداقل مدت محرومیت، ۴ سال است، مگر اینکه ورزشکار موردنظر بتواند ثابت نماید (با معیار توازن احتمالات) مصرف ماده یا روش ممنوعه مشخص نشده، به‌طور غیرعمدی بوده است. اگر ورزشکاری بتواند غیرعمدی بودن مصرف را اثبات کند، حداقل مدت محرومیت به دو سال کاهش خواهد یافت.^{۷۸} حال از طرف دیگر، اگر ورزشکاری ماده یا روش ممنوعه مشخص شده‌ای^{۷۹} را مصرف کند، فرض بر آن است که مصرف این ماده غیرعمدی بوده است و بنابراین حداقل مدت محرومیت ۲ سال است، مگر اینکه سازمان ضد دوپینگ صالح بتواند ثابت کند (اقناع اجمالی) که اقدام ورزشکار عمدی بوده است، که در این صورت، حداقل مدت محرومیت ۴ سال خواهد بود.^{۸۰}

حال سؤالی که به ذهن خطور می‌کند آن است که ورزشکار به منظور کاهش حداقل مدت

73. CAS 2017/O/5039, *International Association of Athletics Federation (IAAF) v. Russian Athletic Federation (RUSAF) & Anna Pyatykh*, para. 132.

74. *Baxter v IOC*, 2002/A/ 376, para. 3.29.

75. Discretionary Power

76. *WADA v Sundby and FIS*, CAS 2015/A/4233. para. 126.

77. Non-specified substance:

مواد و روش‌های مشخص نشده آن‌هایی هستند که به احتمال زیاد برای اهداف افزایش عملکرد استفاده می‌شوند، مانند عوامل آنابولی.

78. WADC, 10(2)(1)(1).

79. Specified substance:

مواد و روش‌های ممنوعه مشخص شده، آن دسته از مواد و روش‌هایی هستند که نسبت به دیگر مواد، احتمال بیشتری وجود دارد که ورزشکار به‌طور غیرعمدی و به دلیل دیگری به‌جز ارتقای عملکرد ورزشی خود مصرف کرده باشد.

WADC Comment to Art. 4(2)(2).

80. WADC, 10(2)(1)(2).

محرومیت خود به چه نحوی از انحاء می‌تواند غیر عمدی بودن یا فقد تقصیر و بی‌مبالاتی خود را اثبات کند؟ در گفتار بعدی پاسخ به این پرسش بررسی شده است.

۲-۴. عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه)

بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۰ آیین‌نامه در رابطه با کاهش دوران محرومیت ورزشکار در صورت عدم تقصیر یا بی‌مبالاتی^{۸۱} یا عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه^{۸۲} است. عدم تقصیر به معنای آن است که ورزشکار به‌طور کامل احتیاط را رعایت نموده است؛ از طرفی عدم تقصیر قابل توجه به آن معناست که ورزشکار به‌طور کامل احتیاط نکرده است.^{۸۳} پس از اینکه هیئت رسیدگی‌کننده، دوران محرومیت ورزشکار متخلف را تعیین نمود، سؤال این است که آیا ورزشکار، حداقل به‌طور نظری محق خواهد بود که با استناد به عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) دوران محرومیت خود را کاهش دهد یا به‌طور کلی از بین ببرد؟

استناد به دفاع عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) صرفاً در مواردی از نقض مقررات ضد دوپینگ امکان‌پذیر است که عنصر عمد و تقصیر در نقض آن مقرره مطرح نباشد. برای مثال، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در نقض بندهای ۱ و ۲ ماده ۲ آیین‌نامه به دلیل اعمال اصل مسئولیت عینی در احراز نقض مقررات مذکور، عمد و قصد ورزشکار موضوعیت ندارد. در مواردی که استناد به عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) میسر است، ورزشکار و وکلای وی باید سعی خود را بر ارائه مدارک، مستندات و شواهد مبنی بر عدم تقصیر و بی‌مبالاتی یا عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه داشته باشند که طبیعتاً مورد نخست ارجحیت دارد. چنانچه ورزشکار، بند ۱ ماده ۲ را نقض کرده باشد و ماده ممنوعه‌ای در نمونه وی یافت شده باشد، به منظور اثبات این موضوع که وی تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجهی) نداشته است، ابتدا باید هیئت رسیدگی‌کننده را قانع کند (توازن احتمالات) که ماده ممنوعه چگونه وارد بدن وی شده است.^{۸۴}

الف. مرحله اول: چگونگی ورود ماده ممنوعه

این موضوع که ماده ممنوعه چگونه وارد بدن ورزشکار شده است از پیش‌شرط‌های اساسی به منظور اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) در رویه دیوان بوده است. دیوان در قضیه روبرتو باربرا علیه فدراسیون جهانی ورزش‌های با صندلی چرخ‌دار و ورزشکاران قطع عضو مورخ ۲۰۱۱ تصریح نمود:

81. No fault or negligence.

82. No significant fault or negligence.

83. FIFA & WADA, CAS 2005/C/976 & 986, para. 75.

84. WADC, 3(1).

«چنانچه وجود ماده ممنوعه در نمونه ورزشکار احراز شده باشد، به منظور از بین بردن دوران محرومیت، ورزشکار باید چگونگی ورود ماده ممنوعه به بدن خود را مشخص نماید».^{۸۵}

شایان ذکر است که در هر صورت اگر نقض مقررات ضد دوپینگ در حین نمونه‌گیری در مسابقه رخ داده باشد، نتایج کسب شده توسط ورزشکار همچنان طبق بند ۱ ماده ۹ کان‌لم‌یکن محسوب خواهد شد اما دیگر نتایج مسابقات مربوط به آن رویداد ورزشی از آن متأثر نخواهد شد، مگر اینکه ثابت شود عملکرد ورزشکار متأثر از مصرف ماده ممنوعه بوده است.

به منظور اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ورزشکار باید چگونگی ورود ماده ممنوعه به بدن خود را ثابت کند. به عبارت دیگر، تا زمانی که ورزشکار نتواند چگونگی ورود ماده ممنوعه را به بدن خویش ثابت کند، دفاع از طریق اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی سنگین از سوی ورزشکار ممکن نخواهد بود. دیوان در همین راستا در قضیه رأی شوازر علیه فدراسیون جهانی دو و میدانی مورخ ۲۰۱۶ تصریح نمود:

«یافته هیئت رسیدگی‌کننده مبنی بر اینکه ورزشکار نتوانسته است چگونگی ورود ماده ممنوعه را به بدن خود ثابت نماید، به‌طور خودکار از بین رفتن محرومیت را بر اساس دفاع عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) ملغا خواهد نمود».^{۸۶}

همچنین در قضیه آی علیه فدراسیون جهانی اتومبیل‌رانی مورخ ۲۰۱۰ دیوان تأکید نمود:

«در نتیجه عدم اثبات چگونگی بلع ماده ممنوعه توسط ورزشکار (عنصر عینی)، تقصیر و عدم بی‌مبالاتی ورزشکار (عنصر ذهنی) به‌طور کلی مورد ملاحظه قرار نخواهد گرفت. به بیان دیگر، بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۰ در این موارد قابلیت اعمال خود را از دست می‌دهند و بررسی میزان خطای ورزشکار، دیگر محلی از اعراب نخواهد داشت».^{۸۷}

بنابراین همان‌طور که از رویه دیوان مشخص است، اولین قدم به منظور دفاع مبتنی بر عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه)، بیان چگونگی ورود ماده ممنوعه به بدن ورزشکار است. شایان توجه وافر است که این مرحله در هر دو صورت اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی و عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه، مشترک است. بنابراین در هر دو صورت، ورزشکار باید ابتدا چگونگی ورود ماده ممنوعه به بدن خود را ثابت نماید.

ب. مرحله دوم (عدم تقصیر و بی‌مبالاتی ورزشکار)

پس از اولین مرحله، در دفاع مبتنی بر عدم تقصیر و بی‌مبالاتی، ورزشکار باید ثابت کند که در عدم

85. Arbitration CAS 2010/A/2277, Roberto La Barbera v. International Wheelchair & Amputee Sports Federation (IWAS), award of 2 May 2011. p. 28.

86. Schwazer v IAAF & NADO Italia & FIFAL & WADA, CAS 2016/ A/ 4707, para. 103.

87. I v. FIA, CAS 2010/ A/ 2268, paras. 130-131.

ورود ماده ممنوعه به بدن خود نهایت تلاش را داشته و در ورود ماده ممنوعه به بدن خود مرتکب تقصیر یا بی‌مبالاتی نشده است.^{۸۸} تقصیر در آیین‌نامه چنین تعریف شده است:

«تقصیر عبارت است از هرگونه سرپیچی از یک وظیفه یا هرگونه عدم مراعات متناسب با موقعیت ویژه. به‌عنوان مثال، عواملی که باید در ارزیابی درجه قصور ورزشکار یا شخص دیگر در نظر گرفته شوند عبارت‌اند از: سابقه و تجربه ورزشکار یا شخص دیگر، اینکه ورزشکار یا شخص صغیر است یا خیر، توجهات ویژه نظیر معلولیت، میزان ضرر و زیان به ورزشکار و اهمیت و ارزیابی ورزشکار از میزان ضرر و زیان به او. در ارزیابی درجه قصور ورزشکار یا شخص دیگر، شرایط در نظر گرفته‌شده باید ویژه و مرتبط باشند تا عدم رعایت استاندارد رفتاری مورد انتظار از ورزشکار یا شخص دیگر را توضیح دهد».^{۸۹}

بنابراین بر اساس مقررات جاری، وظیفه خطیر و اساسی هر ورزشکار است که نهایت احتیاط^{۹۰} را در رابطه با ورود مواد ممنوعه به بدن خود داشته باشد. همان‌طور که گفته شد، طبق بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه، ورزشکار نه‌تنها در قبال رفتار خود مسئول است، بلکه در برابر فعل و ترک‌فعل‌های اطرافیان خود نیز مسئولیت دارد. برای مثال، ورزشکار در قبال افرادی که از ایشان دارو، غذا، مکمل ورزشی و نوشیدنی دریافت می‌کند نیز مسئول است و نمی‌تواند صرفاً اظهار کند به این افراد اعتماد دارد و از دستورهای آن‌ها پیروی کند.^{۹۱} در قضیه *ارانی علیه فدراسیون بین‌المللی تنیس مورخ* ۲۰۱۷ (که در نمونه ورزشکار، ماده ممنوعه *لتروزول*^{۹۲} یافت شده بود) دیوان اعلام کرد:

«ورزشکار مسئول رفتار خود و اطرافیان خویش است؛ اطرافیان شامل مربیان، کادر پزشکی و در پرونده حاضر، اعضای خانواده، به‌ویژه مادر وی که برای تمامی اعضای خانواده غذا تهیه می‌کند و با وی در یک منزل زندگی می‌کند نیز می‌شود».^{۹۳}

به عبارت دیگر، صرف این موضوع که ورزشکار از وجود ماده ممنوعه در غذای خود آگاه نبوده است، برای رفع مسئولیت کافی نیست و میزان تقصیر مادر ورزشکار در اینجا به شخص ورزشکار منتسب شد چرا که ورزشکار برای آماده‌سازی و تهیه غذای خود به مادر خود اعتماد نموده است.^{۹۴} همان‌طور که در بند ۵ ماده ۱۰ تصریح شده است، ادعای عدم تقصیر و بی‌مبالاتی ورزشکار تنها در شرایط استثنائی قابل اعمال است. برای مثال، استناد به عدم تقصیر و بی‌مبالاتی ورزشکار در شرایط زیر امکان‌پذیر نیست:

88. WADC definition of “no fault or negligence”.

89. Definition of “fault” in WADC.

90. Utmost caution

91. *FIFA v STJD & CBF & Mr. Ricardo Lucas Dodo*, CAS 2007/A/1370, para. 78.

92. Letrozole

93. *Errani v ITF*, CAS 2017/A/5301, para. 198.

94. *Ibid.*, 199.

الف) نمونه مثبتی که ناشی از مکمل یا ویتامین آلوده یا تقلبی بوده است؛
 ب) تجویز ماده ممنوعه توسط پزشک شخصی یا مربی شخصی وی صورت گرفته است؛
 ج) خرابکاری عمدی در مورد نوشیدنی یا غذای ورزشکار توسط همسر، مربی یا شخص دیگری از اطرفیان وی انجام شده است.^{۹۵}

با توجه به آیین‌نامه، احراز عدم تقصیر و بی‌مبالاتی ورزشکار شرایط بسیار سختگیرانه‌ای دارد و به هیچ‌عنوان مسامحه‌پذیر نیست. در قضیه مطروحه در دیوان که مربوط به بازیکن تنیس ماریانو پوئرتا است، وی پیش از مسابقه فینال تنیس آزاد فرانسه با همسر خود در کافه ورزشگاه حضور داشته و هنگامی که به سرویس بهداشتی رفت، همسرش با لیوانش داروی خود را مصرف کرد. زمانی که او از سرویس بهداشتی برگشت، بدون اطلاع از اینکه در لیوان مقادیر ناچیزی از داروی همسرش جامانده است، با همان لیوان آب می‌نوشد. علی‌رغم اینکه به تعبیر دیوان، چنین اتفاقی ماهیتی استثنائی دارد، ماریانو می‌توانست و می‌بایست اقدامات بیشتری به منظور جلوگیری از بلعیدن ماده ممنوعه انجام می‌داد.^{۹۶} بر همین اساس، توسل ورزشکار به عدم تقصیر و بی‌مبالاتی رد شد و او نتوانست از این راه، محرومیت خود را کاهش دهد. به‌طور کلی با عنایت به آیین‌نامه و رویه دیوان می‌توان به این نتیجه رسید که در عمل اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی بسیار دشوار است.

همان‌طور که پیش از این خاطر نشان شد، مرحله اول میان هر دو صورت اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی و عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل‌توجه، مشترک، و بیان چگونگی ورود ماده ممنوعه به بدن است. اما توضیح داده شد که مرحله دوم اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی ورزشکار، اثبات رعایت حداکثر احتیاط توسط وی بوده است.

ج. مرحله دوم (عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل‌توجه)

مرحله دوم مربوط به اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل‌توجه ورزشکار آن است که او بتواند اثبات کند که در نقض مقررات ضد دوپینگ مرتکب تقصیر و بی‌مبالاتی قابل‌توجه نشده است. بنابراین اگر ورزشکاری موفق نشود که عدم تقصیر و بی‌مبالاتی خود را در مورد نقض مقرره ضد دوپینگ ثابت کند، می‌تواند ادعای عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل‌توجه خود را مطرح کند.

معیار تعیین قابل‌توجه‌بودن یا نبودن تقصیر و بی‌مبالاتی بر آن اساس است که ورزشکار تا چه حد معیار نهایت احتیاط را رعایت نکرده است. به‌طور کلی و بر حسب رویه دیوان، دفاع مبتنی بر عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل‌توجه تنها در مواردی پذیرفته خواهد شد که ورزشکار تمام اقدامات

95. WADC, Art. 10(5).

96. *Puerta v. ITF*, CAS 2006/ A/ 1025, para. 11(4)(1).

ابتدایی و واضحی را که هر انسانی در همان شرایط انجام می‌داد، انجام دهد.^{۹۷} پرسشی که در همین راستا مطرح می‌شود این است که منظور از این اقدامات چیست؟ دیوان در رأی موسوم به سلیک مورخ ۲۰۱۳ به این پرسش پاسخ داد و می‌توان اقدامات مزبور را با توجه به این رأی به شرح ذیل خلاصه کرد:

الف) خواندن برچسب محصول استفاده‌شده؛

ب) بررسی متقابل تمامی اجزای روی برچسب با فهرست مواد ممنوعه؛

ج) جستجوی اینترنتی در رابطه با محصول؛

د) کسب اطمینان از اعتبار منبع محصول؛

ه) مشورت با متخصصان مربوط و راهنمایی آن‌ها با جدیت قبل از مصرف محصول.^{۹۸}

با وجود اینکه اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه، از اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی آسان‌تر است، با شرایطی که دیوان در رویهٔ خود ایجاد کرده است و همچنین مقررات آیین‌نامه، استناد به این نوع دفاع نیز به منظور کاهش محرومیت بسیار سخت به نظر می‌رسد.

با دقت در رویهٔ دیوان می‌شود به این مهم پی برد که در صورتی که ورزشکار اقدامات فوق توسط او انجام داده باشد، دیوان هیچ ابایی از رد دفاع مبتنی بر عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه نداشته است. از طرف دیگر در قضایایی مثل *ماریانو پوئرتا* علی‌رغم اینکه دفاع ورزشکار مبنی بر اینکه تقصیر و بی‌مبالاتی نداشته است، رد شد، دیوان در مورد عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه ورزشکار تصریح کرد:

با توجه به این فرض که هر مورد مطروح دربارهٔ استناد به تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه باید حاکی از شرایط استثنائی باشد، هیئت پس از بررسی و ارزیابی حقایق به این باور رسیده است که بلع اتیل‌فرین^{۹۹} به‌طور غیرعمدی و ناخواسته صورت گرفته است. اگرچه بوئرتا بی‌مبالاتی نموده و علی‌رغم غیبت کوتاه خود از عدم استفاده از لیوان قبلی خود توسط شخص دیگری اطمینان حاصل نکرده است، درجهٔ بی‌مبالاتی وی آنچنان ناچیز است که احراز عدم تقصیر یا بی‌مبالاتی قابل توجه، ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.^{۱۰۰} بنابراین همان‌طور که پیش از این گفته شد، اگرچه عدم تقصیر و بی‌مبالاتی قابل توجه، دوران محرومیت را نسبت به عدم تقصیر و بی‌مبالاتی ورزشکار به میزان اندکی کاهش می‌دهد، اثبات آن نیز امکان‌پذیرتر است.

97. *FIFA v. CONMEBOL & Fernandez*, AS 2016/A/4416, para. 66.

98. *Cilic v. ITF*, CAS 2013/A/ 3327, para. 74(aa)

99. Etilefrine

100. *Puetra v. ITF*, CAS 2006/A/1025, para. 11(5)(8).

نتیجه

شکی نیست که ورزشکاران باید مطابق با پاره‌ای از مقررات به رقابت بپردازند و این موضوع نشأت گرفته از ماهیت رقابت حرفه‌ای است. اهمیت نقش دیوان در دنیای ورزش غیرقابل انکار است اما برای برخی ورزشکاران، ظهور اصل مسئولیت عینی در رویه دیوان و آیین‌نامه‌ها ناخوشایند به نظر می‌رسد.^{۱۰۱}

مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی، ساختار حقوقی نظام مقابله با دوپینگ، بی‌نقص نیست و اصلی مانند مسئولیت عینی می‌تواند برای برخی از افراد، غیرعادلانه باشد.^{۱۰۲} به درستی بیان شده است که ارزش اصل مسئولیت عینی، صرف اجرای آن اصل نیست، بلکه در خلأیی است که در غیر این صورت ایجاد خواهد شد، چرا که در صورت نبود این اصل، اثبات دوپینگ ورزشکاران به واسطه قصد و عمد، عملاً غیرممکن یا حداقل بسیار سخت می‌شود.^{۱۰۳} بنابراین به نظر می‌رسد علی‌رغم تمامی انتقادات مطروحه، وجود اصل مسئولیت عینی غیرقابل اجتناب و ضروری است. اما بحث در مورد مسئولیت عینی ورزشکاران در موارد نقض مقررات ضد دوپینگ، چالش اخلاقی و رویه‌ای پیچیده را در حوزه ورزش‌های رقابتی ارائه می‌دهد. در حالی که هدف این اصل، حفظ یکپارچگی اقدامات ضد دوپینگ است، تفاوت‌های ظریف ذاتی بین تخلفات عمدی و غیرعمدی، پرسش‌هایی را درباره انصاف و عدالت طبیعی ایجاد می‌کند. دیدگاه‌های طرفداران و مخالفان بر نیاز به رویکردی متعادل که شرایط فردی و مسئولیت‌پذیری را در نظر می‌گیرد، تأکید می‌کند. امکان کاهش دوره‌های محرومیت با اثبات عدم تقصیر یا بی‌مبالاتی، نویددهنده امیدی برای ورزشکارانی است که در دام اتهامات دوپینگ گرفتار شده‌اند. ایجاد تعادل ظریف بین حفظ یکپارچگی مقررات ضد دوپینگ و تضمین روند عادلانه برای ورزشکاران، همچنان وظیفه بزرگ و مهم است که مستلزم گفتگو و تأمل مداوم در جامعه ورزشی است. البته ناگفته پیداست که بدون شک به کارگیری اصل مسئولیت عینی در برخی از قضایا منجر به بی‌عدالتی شده است. از طرف دیگر، عده‌ای بر این باورند که این اصل، نوعی دفع افسد به فاسد تلقی می‌شود و با در نظر گرفتن اهمیت جلوگیری از دوپینگ قابل توجیه است.^{۱۰۴}

اما آنچه امروزه در آیین‌نامه‌های فدراسیون‌های بین‌المللی و رویه دیوان دیده می‌شود، اجرای

101. Melissa Hewitt, "An Unbalanced Act: A Criticism of How the Court of Arbitration for Sport Issues Unjustly Harsh Sanctions by Attempting to Regulate Doping in Sport," *Indiana Journal of Global Legal Studies* 22, 2 (2015) 787.

102. Shivankar Sharma, and Pranav Menon, "A Comparative Study of the Application of Strict Liability Principles in Sports: Critiquing Anti-Doping Policies; Examining Illicit Crowd Chanting and Match Fixing." *Nirma ULJ* 4 (2014) 82.

103. Ibid.

104. Peter Charlish, and Rob Heywood. "Anti-doping inconsistencies snare American star." *Tex. Rev. Ent. & Sports L.* 8 (2007): 21.

مداوم و سختگیرانهٔ اصل مسؤلیت عینی است. وجود مادهٔ ممنوعه برای احراز نقض بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه کافی است و ورزشکار نمی‌تواند به هیچ طریقی از مسؤلیت بگریزد. اما با هدف ایجاد تناسب و عدالت بین ورزشکارانی که دوپینگ توسط آن‌ها با عمد ارتکاب یافته و ورزشکارانی که تقصیری در این زمینه نداشته‌اند در آیین‌نامه‌های ضد دوپینگ، بحث اثبات عدم تقصیر و بی‌مبالاتی (قابل توجه) مطرح شده است. علی‌رغم اینکه اثبات آن بسیار سخت می‌نماید، در صورت موفقیت، ورزشکار می‌تواند دوران محرومیت خود را کاهش دهد. این موضوع باعث شده است که بسیاری از انتقادات به مسؤلیت عینی مبنی بر نبود تفاوت میان ورزشکاران با حسن‌نیت و ورزشکاران با سوءنیت، تا حدی تعدیل شوند.

همان گونه که خاطر نشان شد، نگارندگان با اعمال مسؤلیت عینی ورزشکار در قبال دوپینگ موافق هستند اما در راستای تقویت دادرسی عادلانه در نظام مقابله با دوپینگ و جلوگیری از ورود آسیب به ورزشکاران، راهکارهایی از جمله اجرای برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی مؤثرتر برای ورزشکاران به منظور کمک به آن‌ها در درک خطرات و عواقب ناشی از نقض مقررات ضد دوپینگ و همچنین ایجاد دستورالعمل‌ها و مقررات شفاف‌تر در مورد استفاده از مکمل‌ها و داروها به منظور کاهش احتمال مصرف سهوی مواد و روش‌های ممنوعه توسط ورزشکاران، پیشنهاد می‌شود.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. وکیل، امیرساعد. حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
۲. بلک شاو، یان، حقوق بین‌الملل ورزش راهنمای مقدماتی. ترجمه: مهرداد محمدی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۷، ۱۴۷.

- مقاله

۱. سادات‌میدانی، سیدحسین، «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوا در رویه قضایی بین‌المللی دادگستری»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۴۲، شماره ۱ (۱۳۹۱).
۲. آرامش شهبازی و پوریا برلیان، «دوپینگ در حقوق بین‌الملل ورزشی و جایگاه دیوان داور ورزش در تنسيق رویه بین‌المللی در این زمینه»، *مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۷، شماره ۳۹ (۱۳۹۷).
۳. زاهدی، مهدی، علی دادگر، سیدقاسم زمانی و آرامش شهبازی، «دوپینگ و واکاوی رویه دیوان داور ورزش در مقابله با آن». *حقوق پزشکی* ۱۲، شماره ۴۵ (۱۳۹۷).

- پایان‌نامه

۱. باقری جعفری، سیدپوریا. *سیاست جنایی ایران در مقابله با دوپینگ با توجه به کنوانسیون بین‌المللی دوپینگ*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.
۲. صارمی، سپهر. *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال زورافزایی (دوپینگ) سازمان یافته؛ مطالعه موردی روسیه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

ب. انگلیسی

- Books

1. Gray, Anthony. "The Evolution from Strict Liability to Fault in the Law of Torts". The United Kingdom: Bloomsbury, 2021.
2. Lewis QC, Adam, and Jonathan Taylor QC. *Sport: Law and Practice*. The United Kingdom: Bloomsbury, 2021.

3. Lindholm, John. *The Court of Arbitration for Sport and Its Jurisprudence, an Empirical Inquiry into Lex Sportive*. Germany: Asser Press Springer, 2019.
4. van der Sloot, Bart, Mara Paun, and Ronald Leenes. *Athletes' Human Rights and the Fight Against Doping: A Study of the European Legal Framework*. The Hague: TMC Asser Press, 2020.
5. Wasserstrom, Richard. *Strict Liability in the Criminal Law: The Structure and Limits of Criminal Law*. Routledge, 2014.

- Articles

1. Charlish, Peter, and Rob Heywood. "Anti-doping inconsistencies snare American star." *Tex. Rev. Ent. & Sports L.* 8 (2007): 79.
2. Du Pisani, Annelize. A Contractual Perspective on the Strict Liability Principle in the World Anti-Doping Code. *De Jure Law Journal*, 46, no.4 (2013).
3. Epstein, Richard. A Theory of Strict Tort Liability. *The Cambridge Law Journal*, 2, no.1 (1992).
4. Hewitt, Melissa. "An Unbalanced Act: A Criticism of How the Court of Arbitration for Sport Issues Unjustly Harsh Sanctions by Attempting to Regulate Doping in Sport," *Indiana Journal of Global Legal Studies* 22, no. 2 (2015): 769-787.
5. Maisonneuve, Mathieu, La chambre antidopage du Tribunal arbitral du sport. Cécile Chaussard; Thierry Chiron. *Le dispositif de lutte contre le dopage* 52, no. 119 (2019).
6. McLaren, H. Richard. CAS Doping Jurisprudence: What Can We Learn? *ISLR* 1 (2006).
7. Posner, Richard A. "Strict liability: A comment." *The Journal of Legal Studies* 2, no. 1 (1973): 205-221.
8. Sharma, Shivankar, and Pranav Menon. "A Comparative Study of the Application of Strict Liability Principles in Sports: Critiquing Anti-Doping Policies; Examining Illicit Crowd Chanting and Match Fixing." *Nirma ULJ* 4 (2014): 79.
9. Wasserstrom, Richard. *Strict Liability in the Criminal Law*. *Stanford Law Review* 12, no.4 (1960).

- Cases

1. Aleksandr Zubkov v. International Olympic Committee (IOC). Arbitration CAS 2017/A/5422. Award of April 23, 2018.
2. R. / International Olympic Committee (IOC). Arbitration CAS ad hoc Division (O.G. Nagano) 98/002. Award of February 12, 1998.
3. Roberto La Barbera v. International Wheelchair & Amputee Sports Federation (IWAS). Arbitration CAS 2010/A/2277. Award of May 2, 2011.

4. Baxter v. International Olympic Committee (IOC). Arbitration CAS 2002/A/376.
5. International Association of Athletics Federations (IAAF) v. Russian Athletic Federation (RUSAF) & Anna Pyatykh. Arbitration CAS 2017/O/5039.
6. Cilic v. International Tennis Federation (ITF). Arbitration CAS 2013/A/3327.
7. Errani v. International Tennis Federation (ITF). Arbitration CAS 2017/A/5301.
8. FIFA & WADA. Arbitration CAS 2005/C/976 & 986.
9. FIFA v. CONMEBOL & Fernandez. Arbitration CAS 2016/A/4416.
10. FIFA v. STJD & CBF & Mr. Ricardo Lucas Dodo. Arbitration CAS 2007/A/1370.
11. G. v. International Equestrian Federation. No. 91/53 (CAS 1992). In *CAS Digest*.
12. IOC v. T. Zielinski. Award of August 12, 2016.
13. I v. FIA. Arbitration CAS 2010/A/2268.
14. Legkov v. International Olympic Committee (IOC). Arbitration CAS 2017/A/5379.
15. Puerta v. International Tennis Federation (ITF). Arbitration CAS 2006/A/1025.
16. Rylands v. Fletcher. (1868) L.R. 3 H.L.
17. Schwazer v. IAAF & NADO Italia & FIIFAL & WADA. Arbitration CAS 2016/A/4707.
18. USA Shooting & Quigley v. UIT. Arbitration CAS 94/129, May 23, 1995.
19. WADA v. Sundby and FIS. Arbitration CAS 2015/A/4233.

- Documents

1. Code of Sports-related Arbitration.
2. FIFA Statutes.
3. World Anti-Doping Code, 2015.
4. World Anti-Doping Code, 2019.
5. World Anti-Doping Code, 2021.